

مکتب الرسول

صلی اللہ علیہ وآلہ

نشریه هیئت مکتب الرسول ۱۴۳۵ محرم ۳

آبان ۹۲ فرهنگ هیئت



از توبه یک اشاره

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص عزاداری زینت دوش نبی

نام حسین بن علی (ع)، نام عجیبی است. وقتی از لحاظ عاطفی نگاه می کنید، می بینید خصوصیت اسم آن امام در بین مسلمین با معرفت، این است که دلها را مثل مغناطیس و کهرپا به خود جذب میکند.

خدای متعال، در نام امام حسین (ع) اثری قرار داده است که وقتی اسم او آورده شود، در دل و جان ما ملت ایران و دیگر ملت‌های شرعه، یک حالت معنوی حاکم می شود. این، آن معنای عاطفی آن ذات و وجود مقدس است

روی قبرم بنویسید...

تاملی بر مفهوم مبارزه در زندگی مسلمانی

داشتم فکر می کردم که اگه به آدم بخواهد، فقط یک نگاه به کارنامه عریض و طویل زندگی اش بیاندازد، که مسلمان واقعی بوده یا نه؟... در ذهنم جواب های مختلفی می آمد و گذر می کرد: این که خوش اخلاق باشی، کما این که از حضرتش هم روایت شده که: **کامل ترین شما در ایمان، خوش اخلاق ترین شماست**. اما قانع نشدم. گفتیم: سخاوتمندی. باز قانع نشدم. این که نماز و روزه ات را سر وقت انجام دهی و خمس و زکات را بپردازی و به مسائل شرعی ات پایبند باشی... اما باز هم قانع نشدم... احترام به والدین، تواضع و... اما دلم آرام نگرفت. شاید همه این ها بود و هیچ کدامش نبود. اما با کمی تأمل به ذهنم رسید که: اگر بالاترین مرگ شهادت است، پس وقتی یک نفر شهید می شود، یعنی اینکه جان دادنش در حال مبارزه و در وسط معرکه و میدان نبرد بوده است. اساسا چه می شود که آدم های بزرگ، مرگشان، هم برای دیگران و برای تعداد بیشتری از آدم ها سخت تر می شود. اصلا چه می شود که می گویند وقتی یک عالم از دنیا می رود، انگار ثلمه ای و لطمه ای به اسلام وارد می شود که دیگر هیچ چیز و هیچ کس دیگری نمی تواند جای او را پر کند. شاید علتش همین باشد که یک عالم، خواه ناخواه در جایگاه حفظ اسلام و مبارزه با عقاید خلاف است، در حال مبارزه با شرک و کفر است و اساسا ارج و قربی هم اگر دارد، به خاطر همین مبارزه است و الا، داشتن معلومات علوم دینی که هنر نیست! وقتی یاد شهدایی چون «شهریاری» یا «رضایی نژاد» ها، «احمدی روشن» ها، «صیاد» ها و «حاج رضوان» ها می افتم و یاد آن هایی که جبهه شرک و کفر برنامه ای خاص داشته برای از بین بردنش، می فهمم که اساس مسلمانی این است که خار چشم دشمن باشی و هر چه این خار بودن، بیشتر به چشم دشمن بیاید، حرص و سببیت او برای از بین بردنت بیشتر خواهد شد. شاید بی جهت نبود این وصیت «تهرانی مقدم» که :

روی قبرم بنویسید اینجا مدفن کسی است که می خواست اسرائیل را از بین ببرد...

حرک الزائر!

آری، این صدای حسین علیه السلام، در کنار کعبه که ندا می دهد، من کان باذلا فینا مهجته... هرکس حاضر است خون خود (مهمترین عامل حیات) را در مسیر ما فدا کند.

فائتی راحل مصبحاً ان شاه الله تعالی، پس من صبحگاه حرکت می کنم، اگر خدا بخواهد. حضرت حرکت می کند و منتظر هیچ کس نمی ماند. یعنی این گونه نیست که هر زاهد و عابدی بتواند همراه امام شود و اصلاً قرار نیست خون هر کسی، با خون حسین علیه السلام و اصحاب با وفایش مخلوط شود.^۲

و مطمئن باش، اگر معتقدیم کربلا یک افق است به وسعت تاریخ. عاشورایی ترین مرد عالم نیز، کاروانی از جنس کاروان حسینی دارد و در حرکت است و جریان.

این من و تو هستیم که باید خودمان را به کاروان منتظرانش برسانیم. و نکند مثل طرمح^۳ شویم، که امامان را ببینیم، اما همراه نشویم و وقتی باز می گردیم، امامان را بر سر نی. چرا که او نیز با ندای آن جدی الحسین ظهور می کند.

پس برخیز و حرکت کن، که حتی اگر آب هم باشی، باید حرکت کنی، تا همچون رود زلال بمانی، و آلا مردابی و باید از میان سنگلاخها و سختی ها بگذری که به دریا برسی.

این همان کلام خادمان ارباب است، که حرک الزائر!

۱- اللہوف، صفحه ۶۶

۲- برگرفته از حمله و عرفان، علامه جوادی آملی، صفحه ۳۰۹

۳- حضرت امام حسین علیه السلام را در منزل عذیب الہجلاذ می بینند و وقتی حضرت دعوتش می کنند، می گوید که آذوقه ای همراه دارم و باید به خانام برسانم و همراه نمی شود.

حکم شرعی

۱- آیا می توان از باقی مانده پولی که از محرم سال گذشته برای هزینه ایام عزاداری بصورت عمومی از مردم گرفته شده است، در محرم امسال هزینه کرد؟

ج: مانعی ندارد

۲- صدمه وارد کردن به بدن در حد کوبیدن سر به دیوار، چنگ زدن به صورت، به صورت زدن، سینه زنی تا حدی که سینه ها ولو جزئی آسیب ببینند و یا این که از بدن خون جاری شود چه حکمی دارد؟

ج: عزاداری به شیوه مرسوم و سنتی از اعظم قربات الی الله تعالی و موجب اجر و ثواب است لکن باید از هرگونه کاری که موجب وهن مذهب باشد پرهیز شود همچنین هر عملی که ضرر قابل توجهی برای انسان داشته باشد، حرام است.

برگرفته از کتاب اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری

زمنه

این اشک نیست، آب زلال مطهر است
این چشم نیست، چشمه ای از حوض کوثر است
ظرف زلال رحمت پروردگار شد
چشمی که پای مجلس این روضه ها تر است
چشمی که بیشتر به خودش گریه دیده است
فردا کنار فاطمه با آبروتر است
ما را از این تلاطم دنیا هراس نیست
تا کشتی نجات حسینی شناور است
بر من لباس نوکری ام را کفن کنید
نوکر بهش هم برود باز نوکر است



واجب بزرگه اسلامه

امام حسین قیام کرد تا آن واجب
بزرگی را که عبارت از تجدید بنای
نظام و جامعه اسلامی، یا قیام در مقابل
انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی
است، انجام دهد. این از طریق قیام و
از طریق امر به معروف و نهی از منکر
است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ
امر به معروف و نهی از منکر است.
البته این کار، گاهی به نتیجه حکومت
می رسد؛ امام حسین برای این آماده
بود. گاهی هم به نتیجه شهادت
می رسد؛ برای این هم آماده بود

هیئت مکتب الرسول

شماره کارت: ۶۶۱۱-۰۹۷۰-۶۶۱۰-۶۳۹۳ بانک سینا

بنام: برادر شهروز بابایوری

آماده دریافت کمک های نقدی و نذورات محبان اهل بیت

سامانه هیئت: ۳۰۰۹۹۰۰۰۰۳۱۳

شمر بالقوه یا مالک بالقوه؟

در جنگ صفین تا مرز شهادت پیش رفت و جانباز شد، بیش از پانزده بار با پای پیاده رفتن به سفر حج، حال و هوای خاص دعاها و مناجات هایش و چه و چه... همه را در کارنامه شمر نوشته اند. مالک شاگرد دیگر مکتب حضرت امیر است که چنین شد که حضرت امیر در موردش فرمودند: {آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید، و از او اطاعت کنید، او شمشیری از شمشیرهای خداست، که نه نیروی آن کُند م ی شود، و نه ضربت آن بی اثر است}

خب، چه شد که در کربلا عده ای نمازخوان بدترین جنایت تاریخ بشر را انجام داده اند؟ اگر یک مذهبی مبارزه با نفس نکند، ممکن است جنایت هایی بکند که از کفار هم بر نمی آید، مبارزه با نفس برای این است که

کسانی مثل تروربست های سوریه درست نشوند. چرا قایبل که اهل عبادت بود یک باره دست به جنایت زد؟! چرا اولین جنگ بشریت بین دو خداپرست بود؟ چه شد که در کربلا

عده ای نمازخوان بدترین جنایت تاریخ بشر را انجام دادند؟! همه خوبی ها بدون «زیرپا گذاشتن نفس» سرانجام از دست می روند! اگر مبارزه با هوای نفس نکنیم، ممکن است تمام مهربانی ها و خوبی های ما در خدمت هوای نفس ما قرار گیرد؛ در واقع «نفس اماره بالسوء» سوار ماست و دارد از همه خوبی های ما به نفع خودش استفاده میکند.

دشمن تو بدی های تو نیست! دشمن تو رفتارهای بد تو هم نیست، دشمن تو نفس تو است! همان نفسی که برخی اوقات از تو کارهای خوب می خواهد، و با همان کارهای خوب تو را به جهنم می برد! همانطور که ۶۰۰۰ سال عبادت ابلیس، او را از جهنم نجات نداد. لذا انسانی که وجوه مثبت و خوبی های دارد، اگر نفس خود را زیر پا نگذاشته باشد، خوبی ها و زیبایی هایش سرانجام تبدیل به بدی و زشتی خواهند شد. و ای عزیز تو هم بدان که اگر خود را شیعه امیرالمؤمنین میدانی، قدری باید خودت را جمع و جور کنی چرا که خدا فقط یک امام حسین علیه السلام داشت تا به شمر نشان بدهد، تو شمیری! ولی برای همه ما که نمی تواند یک امام حسین علیه السلام آماده کند تا خودمان را نشان دهیم.

آری ما هم شمره بالقوه های هستیم که اگر دستمان از دامن ولایت رها شود، عاشورای دیگری رقم خواهد خورد. وادی امتحان است و انتخاب با توست، کدام را می پسندی؟

مالک شدن یا شمر شدن؟!!



قدر زنگ بزرگ شناسد...

چقدر نداشت

سرسخی خیلی مبلغ بود هر روز کلی نمازهای مستحقی، دعا و نیایش می خواند. خلوتی داشت برای خودش، حسن و حالش همه را به غیبه واهی داشت. مردم خیلی برایش احترام قائل بودند. می دانستند او چه آدم عابد و پابدلی است. ته دلش زیا و حسد نبود. بر کسی منت نمی گذاشت. اصلاً کار به کار کسی نداشت. خودش بود و خودش نبود. گوشه می نشست و عبادت می کرد. اگر حاجتی داشتند، از او می خواستند دعایشان کند. داشتند و سرش قسم می خوردند. آنها را برآورده کند. خدا این طور بندهایش را دوست دارد. و از خدا بخواهد تا از روی آنها را برآورد. اگر حاجتی داشتند، از او می خواستند دعایشان کند. بندهایی که می شناسد، او را می پرستند؛ مردم را از آنک خیس شده بودند با خدا راز و نیاز. یک شب، سر به سجده داشت و سجده اش از آنک خیس شده بودند با خدا راز و نیاز. می کرد که خوابش برد. صدایی شنید که می گفت: عبادت، یعنی خودت را دوست دارد؛ به آن مشغول است، من کار او را بیشتر دوست دارم و به برکت او، تو را بخشیدم. حرام دوری می کرد اما به اندازه او اهل عبادت نبود. یعنی اصلاً فرصت نداشت کارهای خود غرق بود که دوباره همان ندا را شنید: من از کاری به پدر و مادر، می ۶۴

شادی روح مطهر امام عزیز و شهدا.... صلوات